

7284

سلسلہ پژوهش های اعتقاد

(۴۸)

۱۰۰۰
۱
۱۷۲
عقایی

حقیقت و وضو

پژوهش در چگونگی وضو در اسلام

آیت الله سید علی حسینی میلانی

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا	سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۷
موضوع: مسح	عنوان قراردادی: حکم الأرجل فی الوضوء، فارسی
موضوع: Mash*	عنوان و نام پدیدآور: حقیقت وضو: پژوهشی در چگونگی
موضوع: وضو	وضو در اسلام / مؤلف سید علی حسینی میلانی؛ ترجمه
موضوع: Ablutions (Islamic law)	و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق.
شناسه افزوده: انتشارات الحقایق	مشخصات نشر: قم: الحقایق، ۱۳۹۷.
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۸۰۴۱ ح ۵ / ۱۸۲ / ۸ BP	مشخصات ظاهری: ۱۷۲ ص.
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۵۲	فروخت: سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۴۸.
شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۹۰۲۵۰	شابک: 978 - 600 - 8518 - 16 - 7



انتشارات الحقایق

نام کتاب: حقیقت وضو

مؤلف: آیت الله سید علی حسینی میلانی

ترجمه و ویرایش: هیئت تحریریه انتشارات الحقایق

ناشر: الحقایق

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۷

چاپ: وفا

قیمت: ۱۲۰۰۰ ریال

شابک: 978 - 600 - 8518 - 16 - 7 ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۸۵۱۸ - ۱۶ - ۷

حقوق چاپ محفوظ است

مراکز پخش:

☐ قم: تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۳۷۳۲۰ و ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۸۲

☐ تهران: خیابان پاسداران، خیابان شهید گلنپی، نبش خیابان ناطق نوری، ساختمان زمر، طبقه دوم، پلاک ۲۳، نشر آفاق، تلفن: ۰۲۱-۲۲۸۴۷۰۳۵

☐ مشهد: چهارراه شهدا، پشت باغ نادری، کوچه شهید خوراکیان، پاساژ گنجینه‌کتاب، انتشارات نور الکتاب (میلانی)، تلفن: ۰۹۱۵۱۱۹۹۴۸۶ ۰۵۱-۳۲۲۴۲۲۶۲

☐ اصفهان: چهارباغ پایین، رویه روی ورزشگاه تختی، مرکز تخصصی حوزه علمی اصفهان، تلفن: ۰۳۱-۳۲۲۴۰۶۰۸

نشانی اینترنت: www.al-haqaeq.org - پست الکترونیک: info@al-haqaeq.org - سامانه پیام کوتاه: ۱۰۰۰ ۱۴۱۴

الحمد لله رب العالمين

www.Ketab.ir

فهرست نگاشته‌ها

۹	 سرآغاز
۱۳	 پیش‌گفتار

بخش یکم

حقیقت وضو از دیدگاه قرآن

۲۷	 چگونگی وضو گرفتن در قرآن
۲۷	 وجوب مسح پاها
۲۹	 حکم مسح پاها از دیدگاه قرآن کریم
۳۲	 اعتراف قائلان به شستن پاها
۳۳	 سرخسی
۳۴	 ابن همام
۳۵	 ابن قدامه
۳۶	 فخر رازی
۳۶	 شیخ ابراهیم حلبی
۳۶	 سندی
۳۷	 قاسمی
۳۸	 نقد و ارزیابی دیدگاه عالمان

- تلاش‌هایی برای پذیرفتن ظاهر آیه..... ۴۰
۱. ادّعای ظهور قرائت نصب در شستن..... ۴۰
- بررسی و نقد این دیدگاه..... ۴۳
۲. ادّعای عدم ظهور قرائت جرّ در مسح..... ۴۷
۳. ادّعای شستن..... ۵۷
- پاسخ از این دیدگاه..... ۵۹
۴. ادّعای مسح بر کفش‌ها..... ۶۱
- پاسخ از این دیدگاه..... ۶۴
- سخن پایانی..... ۶۶

بخش دوم

حقیقت وضو از دیدگاه روایات

- روایات مسح در کتاب‌های شیعی..... ۷۲
- روایات مسح در کتاب‌های اهل سنّت..... ۷۶
- آشفستگی قائلان به شستن پاها در مقابل این روایات..... ۹۰
- شستن پا در روایات اهل سنّت..... ۹۳
- بررسی روایات..... ۹۸
- روایت عبدالله بن عمرو..... ۹۹
- بررسی روایت..... ۱۰۰
۱. بررسی سند روایت..... ۱۰۰
- بررسی متن و دلالت روایت..... ۱۰۳

- تصرف اهل سنت در عبارات این حدیث ۱۰۸
- بررسی راویان حدیث ۱۱۰
- عبدالعزیز بن محمد ۱۱۰
- سهیل بن ابی صالح ۱۱۱
- حدیث تحریف شده عبدالله بن عمرو در مسند احمد ۱۱۴
- به روایت غیر عبدالله بن عمرو ۱۱۶
- به روایت جابر بن عبدالله انصاری ۱۲۱
- به روایت ابوهریره ۱۲۱
- به روایت معقیب ۱۲۲
- به روایت عبدالله بن حرث زبیدی ۱۲۵
۲. احادیث توصیف‌کننده وضوی پیامبر صلی الله علیه وآله ۱۲۶
- حدیث عثمان بن عفان ۱۲۷
- بررسی سند ۱۲۹
- عبدالعزیز بن عبدالله ۱۲۹
- ابراهیم بن سعد ۱۳۰
- ابن شهاب ۱۳۱
- حمران ۱۳۱
- نگاهی به سندهای مسلم ۱۳۲
- تعارض میان روایات ۱۳۴
- روایت عبدالله بن زید ۱۳۴

- ۱۳۵..... بررسی سند
- ۱۳۹..... به روایت غیر عثمان و عبدالله بن زید
- ۱۳۹..... ۱. روایت حضرت علی علیه السلام
- ۱۴۰..... بررسی سند
- ۱۴۱..... ۲. روایت ابوهریره
- ۱۴۲..... بررسی سند
- ۱۴۳..... بررسی سند
- ۱۴۴..... ۳. روایت مقدم بن معدیکرب
- ۱۴۴..... بررسی سند
- ۱۴۵..... هشام بن عمار
- ۱۴۵..... ولید بن مسلم
- ۱۴۶..... حرز بن عثمان
- ۱۴۸..... عبدالرحمان بن میسره
- ۱۴۸..... نتیجه پژوهش در روایات شستن پاها
- ۱۴۹..... نادرستی ادعای منسوخ شدن حکم مسح پاها
- ۱۵۱..... تعارض روایات و وجوب مسح
- ۱۵۲..... اجماع و اتفاق نظر
- ۱۵۸..... احتیاط
- ۱۵۹..... استحسان
- ۱۶۵..... کتابنامه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سرآغاز

... آخرین و کامل ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران با وفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای متّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله، - با توطئه‌هایی از پیش مهیا شده - مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را - که همچون آفتاب جهان تاب بود - پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرّبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند. در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میرحامد حسین، سید شرف الدین، امینی و... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چراکه اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ‌گویی شبهات پرداخته‌اند....

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد. مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظم له است که اینک «فارسی زبانان» را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیة الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیش‌گفتار^۱

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا ونبينا محمد وآله الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

«حکم پاها در وضو» از صدر اسلام موضوع بحث میان فقهای مسلمان بوده است. شیعه دوازده امامی به پیروی از حضرت علی و امامان معصوم علیهم السلام، حکم داده‌اند که واجب است به پاها مسح شود؛ به‌طوری‌که سخن از آن، شعار و نشانه مذهبشان بوده است.

دیگران نیز در این مسأله اختلاف نظر دارند... برخی می‌گویند: بایستی پاها مسح شود، برخی دیگر می‌گویند: بایستی میان روایات مسح و شستن پا، جمع و سازگاری ایجاد کرد و برخی دیگر می‌گویند: وضوگیرنده اختیار دارد به پایش مسح کند یا آن را بشوید و برخی دیگر می‌گویند: باید پاها را شست.

۱. این پژوهش به‌مناسبت برگزاری کنگره جهانی هزاره شیخ مفید رحمه الله در حوزه علمیه قم سال ۱۴۱۳ هجری قمری، به زبان عربی نگاشته شده و در مجموعه آثار این اجلاس به چاپ رسیده است.

این اختلاف پیوسته میان آن‌ها بوده تا اینکه در قرن چهارم؛ یعنی پس از امام محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰) بیشتر اهل سنت به وجوب شستن پا حکم دادند.

شاید فرد محقق با یک یا شماری از علمای اهل سنت - حتی از میان پیروان طبری - روبه‌رو شود که دیدگاهی غیر از شستن دارند، زیرا مکتب طبری، مکتبی مستقل است که بسیاری از علما و مردم از آن تقلید می‌کنند. برای مثال با نگاه به شرح حال حافظ ابی‌بکر محمد بن عمر بغدادی جعابی روشن می‌شود که دیدگاه او برخلاف مکتب طبری بوده است. او قاضی شهر موصل متوفای سال ۳۵۵ بود. درباره او گفته‌اند که وی ۲۰۰ هزار حدیث حفظ کرده بود و به همین اندازه نیز درباره احادیث دیگر، حضور ذهن داشت.

گفته‌اند: او در زمینه رجال‌شناسی، تاریخ رجال و روایت‌شناسی فردی پیشرو و مرجع بود. در زمانه او، هیچ دانشمند هم‌طراز وی یافت نمی‌شد. به دلیل فتوای او در مسأله وضو، به او نسبت داده می‌شد که شیعه است. این موضوع را وقتی فهمیدند که یکی از معاصران وی، در حالی که جعابی در خواب بوده، بر روی پای وی مطلبی می‌نویسد و این نوشته تا هشت روز باقی می‌ماند.^۱

۱. تاریخ بغداد: ۳/ ۳۰۳، سیر أعلام النبلاء: ۱۶ / ۹۰.

دلیل اختلاف اهل سنت در این مسأله، ناشی از اختلاف در احادیثی است که در اختیار اهل سنت است، حتی روایاتی که برای شستن پاها به آن‌ها استدلال می‌شود - چنانچه در این کتاب خواهد آمد - با هم تعارض دارند ... بلکه با مراجعه به کتاب‌هایشان با روایاتی روبه‌رو می‌شویم که از اختلاف صحابه در این مسأله حکایت دارد و در زمان عمر، عثمان و علی علیه‌السلام این اختلاف وجود داشته است.

مسلم نیشابوری روایتی را چنین نقل می‌کند:

روزی عثمان وضو گرفت، سپس گفت: گروهی از مردم از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله^۱ احادیثی را روایت می‌کنند که من ماهیت این احادیث را نمی‌دانم.^۲

روایتی دیگر را ابوداود چنین آورده است:

عثمان وضو گرفت، سپس گفت: کسانی که در مورد وضو سؤال دارند کجا هستند؟ همانا من دیدم که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین وضو می‌گرفت.^۳

(۱) به‌رغم اینکه در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به‌صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به‌صورت کامل آورده‌ایم.

۲. کثر العمال: ۹ / ۴۲۳.

۳. همان: ۹ / ۴۴۰.

در روایت سوم آمده است:

عثمان وضو گرفت، سپس گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را گواه گرفت. آن گاه گفت: خدا را شکر که در این کار با من موافق هستید.^۱

در خبر دیگری ابی مالک دمشقی می گوید: ... اختلاف در موضوع خلافت عثمان، تنها بر سر موضوع وضو بود....^۲

در روایت دیگر ابن عباس می گوید:

روزی علی علیه السلام وارد خانه من شد، وقتی خواست وضو بگیرد فرمود: ای ابن عباس! آیا نمی خواهی چون رسول خدا صلی الله علیه و آله برای وضو بگیرم؟
گفتم: آری....^۳

در حدیث دیگری نیز آمده: حضرت علی علیه السلام در کوفه وضو گرفت، سپس فرمود: هرکس دوست دارد وضوی پیامبر را ببیند، پس وضوی پیامبر چنین است.^۴

۱. همان: ۹ / ۴۴۱.

۲. همان: ۹ / ۴۴۳.

۳. همان: ۹ / ۴۵۹.

۴. همان: ۹ / ۴۶۰.

از این روست که در تفسیر المنار درباره وضو چنین آمده است:
 «سخن در مورد شستن پاها و مسح آنها از صحابه و تابعان پیشین
 روایت شده است، ولی عمل به شستن پاها فراگیرتر و دیدگاه غالب
 است و این دیدگاه استمرار داشته است».^۱

البته بسیاری از بزرگان اهل سنت تلاش کرده‌اند که موضوع مسح
 پاها را در وضو منکر شوند، یا فتوای به نشستن پاها را از جانب یکی از
 صحابه یا تابعان بیان کنند و قول به مسح را بدعت و گمراهی دانسته‌اند.
 برای نمونه ابن کثیر در این مورد می‌گوید:

هر شیعه‌ای که مسح پاها را همچون مسح کردن بر کفش واجب
 بداند، گمراه و گمراه‌کننده است، همچنین هر کس هم مسح پاها و هم
 شستن آنها را جایز بداند در اشتباه است و هر کس از ابی جعفر بن جریر
 طبری نقل کند که او شستن پاها را بر اساس احادیث و مسح آنها را
 بر اساس آیه قرآن واجب دانسته، باید گفت که او درباره دیدگاه
 ابن جریر تحقیق نکرده است.^۲

شهاب خفاجی نیز در این مورد اظهار نظر کرده است. وی می‌گوید:

۱. تفسیر المنار: ۶ / ۲۳۴.

۲. تفسیر القرآن العظيم: ۲ / ۲۵.

کسی که مسح پاها را بدون کفش با استدلال به ظاهر آیه جایز بداند از بدعت‌گذاران است. سید مرتضی در تأیید این گفته نظری دارد، از این رو از آن جهت که اهل سنت بر چیزی غیر آن اتفاق نظر دارند، از آوردن آن صرف نظر کردیم.^۱

آلوسی می‌گوید:

بدیهی است که موضوع شستن و مسح پاها از جمله بحث‌های جنجال‌برانگیزی است که افراد، پیوسته در مورد آن به خطا و اشتباه رفته‌اند. و گفته امام رحمه الله بر این دلالت دارد که وی نیز در این راه گام نهاده و راهی را رفته که شایسته نیست ذهن‌ها به آن مشغول شود. پس برای تحقیق و تبیین این امر سخن می‌گوییم تا پوزۀ شیعیانی را به خاک بمالیم که از هر بیراهه‌ای وارد می‌شوند.^۲

آلوسی در ادامه می‌گوید:

نسبت حکم وجوب مسح پاها به ابن عباس، انس بن مالک و دیگران از سوی شیعیان، دروغی است که ادعا کرده‌اند....

۱. حاشیة شهاب علی البیضاوی: ۳ / ۲۲۱.

۲. روح المعانی: ۶ / ۷۴. گفتنی است که منظور او از «امام»، فخر رازی است. چراکه او دلالت آیه بر مسح را - چنانچه خواهد آمد - اثبات کرده است.

و همچنین نسبت دادن جواز مسح به ابی‌العالیه، عکرمه و شعبی دروغ و بهتانی بیش نیست.

همین‌گونه است نسبت دادن جمع بین روایات شستن پا و مسح آن، یا انتخاب یکی از آن دو به حسن بصری و همین‌طور نسبت دادن فتوای تخییر به محمد بن جریر طبری صاحب کتاب‌های معروف تاریخ و تفسیر از این قبیل است.

راویان شیعه این دروغ‌های گوناگون را انتشار داده و برخی از اهل سنت نیز که توانایی تشخیص اخبار درست و نادرست را نداشتند، بدون هیچ تحقیق و ارائه‌سندی به روایت این اکاذیب اقدام کرده‌اند.^۱ خوانندگان حق‌جو! ملاحظه کنید که چگونه به شیعه نسبت‌های ناروا می‌دهند؟

یکی شیعه را به گمراهی متهم می‌کند، دیگری او را بدعت‌گذار می‌شمارد و گروهی نیز دشنام و بدگویی به شیعه را سرلوحه کار خویش قرار داده‌اند!

آلوسی در این راه، با پیش گرفتن شیوه افراط، به شیعیان تاخته، به‌طوری‌که برخی دانشمندان پس از او، مانند صاحب کتاب المنار در این زمینه از وی انتقاد کرده است.^۲

۱. همان: ۶ / ۷۷.

۲. تفسیر المنار: ۶ / ۲۲۹.

آلوسی به گروهی از دانشمندان طائفه خود به شدت حمله می‌کند؛ چراکه اینان تصریح کرده‌اند که صحابه بزرگی چون امیر مؤمنان علی علیه السلام و عبدالله بن عباس ... - که در قرآن و فقه مرجع مسلمانان بودند - و همچنین شماری از نامدارترین تابعان - که در دانش تفسیر و قرائات به دیدگاه‌های آنان تکیه می‌شود - مانند عکرمه، قتاده، شعبی، حسن بصری و دیگران، همگی معتقد بوده‌اند که قرآن کریم دلالت می‌کند که در وضو باید پاها را مسح کرد.

آلوسی از میان این دانشمندان که به این دیدگاه تصریح کرده امام اهل سنت، فخر رازی را نام می‌برد؛ چراکه فخر رازی می‌گوید: آیه قرآن کریم بر مسح دلالت می‌کند.

وی در ادامه نام شمار دیگری از فقیهان و پیشوایان فقهی، تفسیری و روایی را می‌آورد که آنان نیز همین دیدگاه را دنبال کرده‌اند او در ادامه می‌نویسد:

اهل سنت نسبت به دیدگاه طبری در این مسأله نظرهای مختلفی دارند ... وی از معتقدان به مسح بوده است، به همین دلیل اهل سنت نسبت به وی دچار اختلاف شده‌اند. به طوری که ابو حیان وی را از اهل سنت نمی‌داند و او را از علمای شیعه امامیه نام می‌برد.^۱

۱. لسان المیزان: ۵ / ۱۰۰.

سلیمانی سنی بودن طبری را انکار نکرده، ولی می‌گوید: او به رافضی‌ها گرایش داشت.^۱

ذهبی وی را از آنچه در موردش گفته شده مبرا می‌دارد و می‌گوید که هیچ وقت اعتقاد به مسح را در کتاب‌هایش ندیده است.

ذهبی در این باره می‌نویسد: ابن جریر طبری از مردان بزرگ بوده است. به دلیل اندک گرایش وی به شیعه، به او بدگویی شده است. در حالی که ما جز خوبی از او ندیده‌ایم و برخی نقل کرده‌اند که وی مسح پاها در وضو را جایز دانسته است. اما این مسأله را در کتاب‌هایش ندیده‌ایم.^۲

رازی و گروه دیگری تأخیر شستن پا یا مسح آن را به وی نسبت داده‌اند^۳ و برخی دیگر جمع بین شستن و مسح را به او نسبت می‌دهند.^۴ زین عراقی و ابن حجر عسقلانی، فردی به نام محمد بن جریر بن رستم طبری را پس از محمد بن جریر طبری ذکر کرده و گفته‌اند: وی (رستم طبری) رافضی است.

زین عراقی او را با صفت «خیث» وصف کرده است.

۱. میزان الاعتدال: ۳ / ۴۹۹.

۲. سیر أعلام النبلاء: ۱۴ / ۲۷۷.

۳. تفسیر الرازی (مفاتیح الغیب): ۱۱ / ۱۶۱.

۴. از این افراد می‌توان صاحب تفسیر المنار: ۶ / ۲۸۸ را نام برد.

آن‌گاه این دو دانشمند اهل سنت، بر همین اساس گفته‌اند: چه بسا که آنچه از محمد بن جریر طبری در مورد اکتفا به مسح پاها در وضو حکایت شده، سخنان همین فرد رافضی است، زیرا این دیدگاه مذهب رافضی هاست.^۱

از دیگر روش‌های اهل سنت، متهم ساختن به بی‌نمازی است. اگرچه آن‌ها، محمد بن جریر طبری صاحب کتاب‌های تاریخ و تفسیر را به بی‌نمازی متهم نکرده‌اند، اما حافظ ابن جعایی را به این کار متهم کرده‌اند و این موضوع در شرح حالش آمده است.

واقعیت این است که دلیل این همه دشمنی با طبری این است که حکمی داده که با فتوای شیعیان دوازده امامی موافق است؛ فتوایی که به پیروی از کتاب قرآن و سنت، استخراج شده است.

ما به بررسی این موضوع می‌پردازیم و آن را در پرتو قرآن کریم، سنت، سخنان و دیدگاه‌های پیشوایان تفسیر، فقه و حدیث مورد کنکاش قرار می‌دهیم. این پژوهش در دو بخش به حقیقت وضو می‌پردازد:

۱. حقیقت وضو از دیدگاه قرآن.

۲. حقیقت وضو از دیدگاه روایات.

۱. میزان الاعتدال: ۳۰۴، لسان المیزان: ۵ / ۱۰۳.

گفتنی است که به مناسبت یادبود هزارمین سال درگذشت شیخ جلیل‌القدر ابی‌عبدالله مفید بغدادی رحمه‌الله، پژوهشی با موضوع «حکم پاها در وضو» برای تبیین دیدگاه شیعه دوازده امامی در پرتو قرآن و سنت و اخبار شیعه و سنی نگاشتیم.

از خداوند متعال می‌خواهیم که این پژوهش برای اهل علم و تحقیق سودمند باشد. وبالله التوفیق

علی حسینی میلانی